

## بررسی شیوه‌های بلاغی برگزیده در اشعار سنایی غزنوی در ارایهٔ حقانیت و ولایت امام علی<sup>۷</sup> (مطالعهٔ موردی: تقابل تمثیلی و حصر و قصر)

محمد ویسی<sup>۱</sup>

عطیه مشاهری فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

حکیم سنایی غزنوی به گواه آثارش شاعری دوستدار اهل بیت: و معتقد به ولایت ایشان است. موضوع ولایت، وصایت و حقانیت امام علی<sup>۷</sup> بارها و به شیوه‌های مختلف بلاغی در اشعار سنایی بازتاب یافته است. انتخاب نوعی ویژه از بلاغت و آرایش کلام در شعر سنایی، با هدف او از سرودن این اشعار که همانا نمایش حقانیت و ولایت امام علی<sup>۷</sup> است، پیوندی مستقیم دارد. در این جستار از میان شیوه‌ها و رویکردهای بلاغی با روش توصیفی - تحلیلی، دو شگرد بلاغی به کاررفته در اشعار سنایی که معنای مورد نظر او را برجسته‌تر و مؤکد ساخته است، بررسی و تحلیل می‌شود. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که در اشعار سنایی، از میان انواع شیوه‌های بلاغی، حصر و قصر و تقابل و تمثیل که سنایی آن‌ها را به شکل تقابل‌های تمثیلی نیز به کار می‌برد، به جهت ایجاد تناسب میان صورت ادبی و معنا و مفهوم متن، برجسته‌تر از انواع دیگر شگردهای بلاغی است. این پژوهش روشن می‌سازد که استفادهٔ سنایی از این شگردهای بیانی، متناسب با عقیدهٔ او در باب ولایت امام علی<sup>۷</sup> است و باعث گردیده تا او عقیدهٔ خویش را دربارهٔ حقانیت و منزلت ایشان با وضوح و قاطعیتی بیش‌تر به مخاطب القا کند و میان صورت و محتوای شعر خود پیوندی معنادار برقرار سازد.

**واژگان کلیدی:** سنایی، اشعار، علی<sup>۷</sup>، بلاغت، تقابل تمثیلی، حصر و قصر.

۱- دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران، نویسندهٔ مسؤول [mveysi@gmail.com](mailto:mveysi@gmail.com)

۲- دانش آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران [atie.mshaheri@yahoo.com](mailto:atie.mshaheri@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

## مقدمه

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی، شاعر و عارف بلندآوازه نیمه دوم سده پنجم است که در موضوعاتی گوناگون از جمله زهد و مثل، عشق و عرفان، نقد اجتماعی، قلندریات و اندیشه‌های ملامتی، مدح و ستایش و هزل و هجو شعر سروده است. سیمای معصومین علیهم‌السلام در اشعار زاهدانه، انتقادی و مدح و منقبت سنایی، چهره‌ای پرتکرار و برجسته دارد. اگرچه در اشعار سنایی مدح و منقبت خلفای راشدین نیز بارها تکرار شده است؛ اما کیفیت و کمیت این اشعار را نمی‌توان یکسان دانست؛ چنان‌که سنایی خود پس از مدح عثمان می‌گوید:

ای سنایی به قوت ایمان      مدح حیدر بگو پس از عثمان  
با مدیحش مدایح مطلق      زهق الباطل است و جاء الحق  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۴۴)

ابیات بسیاری از حدیقه‌الحقیقه و دیوان سنایی به توصیف و ستایش امیرالمؤمنین علی<sup>۷</sup> اختصاص دارد. سهم فراوانی از این ابیات گزارش ماجراهای زندگی امیرالمؤمنین، توصیف فضایل اخلاقی و وصف دلآوری و زهد و پارسایی ایشان است که زبانی فخم دارد و گاه خالی از زیور به نظر می‌آید، اما در همین حال می‌توان بخشی گسترده از اشعار سنایی را نشان داد که با استفاده از آرایه‌های ادبی و تصاویر تخیلی، تراز زیبایی‌شناختی بالاتر دارند. این‌گونه شعرها نکته قابل توجه، تناسب آرایه به کار گرفته شده با مضمونی است که شعر درصدد بیان آن می‌باشد. در این پژوهش قصد بر آن است با روشن ساختن آرایه‌های پربسامد در آن دسته از شعرهای سنایی که به ستایش امیرالمؤمنین و بیان حقانیت ولایت او می‌پردازد، نشان داده شود که این آرایه‌ها توانسته‌اند در القای مفهوم برتری امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> و حقانیت او تأثیری انکارناپذیر بگذارند و سنایی با هوشمندی بسیار معنای مورد نظر خود را با تصاویری آمیخته است که بتواند هرچه بیش تر بر مقام والای حضرت و جایگاه ولایت و وصایت ایشان تأکید کند و در همان حال که سروده خویش را می‌آزاید، بر روشنی و قاطعیت آن نیز بیفزاید.

## ۱. ادبیات نظری پژوهش

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در باب جلوه امام علی<sup>۷</sup> در آثار سنایی مقالات زیر نگاشته شده است:

۱- ایوب مرادی و سارا چالاک، سیمای امام علی<sup>۷</sup> در شعر سنایی، نامه پارسی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۵۳، صص ۵-۳۷. نگارندگان بخشی از اوصاف و ویژگی‌های حضرت علی<sup>۷</sup> را بر اساس اشعار سنایی بررسی کرده و احادیث مرتبط با آن را ذکر کرده‌اند.

۲- خلیل حدیدی و خدابخش اسداللهی، امامت در آثار سنایی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۸۴، شماره ۱۹۷، صص ۵۵-۷۴. نویسندگان ضمن برشمردن تعریف امامت و مؤلفه‌های آن

در دیدگاه شیعه، به بررسی دیدگاه سنایی درباره امامت پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که باور و اعتقاد سنایی شیعی است اما به جهت ملاحظات سیاسی و اجتماعی، تظاهراتی نسبت به آیین اهل سنت نیز از خود نشان داده است.

۳- خدا بخش اسداللهی و زهرافتحی، بینامتنیت سیمای علی ۷ در اشعار سنایی و ناصر خسرو، پژوهش‌نامه علوی، ۱۴۰۰ق، شماره ۱۲، صص ۳-۳۲. این مقاله مقایسه و تطبیقی میان اشعار علوی ناصر خسرو و سنایی غزنوی است.

۴- خدابخش اسداللهی و بهنام فتحی ورامین محرمی، فضایل و مناقب علی ۷ در حدیقه الحقیقه سنایی، پژوهش‌نامه امامیه، ۱۳۹۸، شماره ۹، صص ۱۴۷-۱۷۳. این مقاله گزارشی کلی از اوصاف حضرت علی ۷ بر اساس اشعار سنایی ارایه می‌دهد.

وجه افتراق و تمایز پژوهش حاضر با مقالات یاد شده این است که این پژوهش از منظر بلاغی به بازتاب ولایت و حقانیت امام علی ۷ در آثار سنایی می‌پردازد و از این دیدگاه، پژوهشی تازه است.

## ۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا در شعر سنایی میان شیوه‌های بلاغی و مضمون بیان شده درباره حقانیت امام علی علیه اسلام نسبت و سنخیتی وجود دارد؟
- ۲- سنایی با چه شگردهایی توانسته میان صورت و محتوای شعرش در این باره پیوند برقرار کند.

## ۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- سنایی شیوه بلاغی را متناسب با مفهوم مورد نظرش به کار می‌گیرد.
- ۲- او با استفاده از شگرد های بلاغی تمثیل، تقابل‌های تمثیلی و حصر و قصر بر مفهوم مورد نظر خویش تأکید می‌کند.

## ۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

سنایی یکی از بزرگ‌ترین شاعران ادبیات فارسی است که در دوران غزنویان می‌زیسته، اما بهترین مدایح او در بزرگداشت اولیاءالله، پیامبر اکرم ۶ و امامان شیعه: است. او نخستین کسی است که از پس ابیات مختصر ابوسعید ابی‌الخیر (۳۵۷-۴۴۰ه ق)، ابوعلی دقاق نیشابوری (فوت ۴۰۵ق) و ابوالحسن خرقانی (فوت ۴۲۵ق) که رنگ و بوی عرفانی داشت، نظامی عارفانه را در شعر فارسی پایه‌گذاری می‌کند و تأثیری مستقیم بر شاعران بلندمرتبه‌ای چون عطار و مولوی می‌گذارد. بی‌شک جایگاه رفیع سنایی برآمده از قوت او در ارایه مفهوم و مضمون والا در کنار توانمندی او در بلاغت است و با ضعف هر کدام از سویه‌های صوری و باطنی، شعر سنایی نمی‌توانست به این پایه

از اثرگذاری دست یابد و این نکته‌ای می باشد که در بررسی اشعار دینی سنایی مغفول واقع شده است. یکی از مواردی که می تواند درهم تنیدگی شاعرانه و ماهرانه صورت و محتوا را در شعر سنایی نمایش دهد، شیوه بلاغی شعر او در گزارش حقانیت امام علی علیه السلام است؛ امری که این پژوهش درصدد تبیین آن است.

### ۵-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. نخست ابیات مرتبط با امام علی علیه السلام از دیوان سنایی و حدیقه الحقیقه جمع آوری شده و پس از تحلیل نمونه‌های منطبق شرح و طبقه‌بندی شده است.

### ۲. باز نمود شخصیت علی علیه السلام در اشعار سنایی

بدون تردید می توان گفت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هیچ شخصیتی در آثار سنایی به بلند مرتبگی امام علی علیه السلام نیست. سنایی امیرالمؤمنین علیه السلام را سراحرار، سرفراز مهاجر و انصار و علمدار و علم‌دار رسول و تاج دین می نامد. او نسبت به وقایع مختلف زندگی ایشان آشنایی کامل دارد و بسیاری از این حوادث را در شعر خود بازتاب داده است، از جمله می توان به ماجرای عقیل و مال بیش تر خواستن او از بیت‌المال، پیکار در جنگ‌های صفین، خیبر، کشتن عمرو بن عبدود، نقش امام علی علیه السلام در جنگ جمل، رویداد ابن ملجم و شهادت امامت علی علیه السلام اشاره نمود.

امام علی علیه السلام در شعر سنایی کسی است که خداوند او را آشکارکننده دین محمدی می داند و از بهشت برای او ذوالفقاری شرک‌زدای می فرستد:

آمد از سدره جبرئیل امین	لافتی کرده مر ورا تلقین
ذوالفقاری که از بهشت خدای	بفرستاده بود شرک‌زدای
آوردش به نزد پیغمبر	گفت کاین هست بابت حیدر
تا بدو دینت آشکار کند	لشکر کفر تار و مار کند

(همان، ۲۴۷)

سنایی به میزانی علی علیه السلام را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزدیک می شمارد که می گوید:

هر دو یک قبله و خردشان دو	هر دو یک روح و کالبدشان دو
هر دو یک در ز یک صدف بودند	هر دو پیرایه شرف بودند
دو رونده چو اختر و گردون	دو برادر چو موسی و هارون

(همان، ۲۴۶)

و این معنی را با تکیه بر امر ولایت بار دیگر در حدیقه و در نعت رسول<sup>۶</sup> به این صورت تکرار می‌کند:

هر دو یک رنگ از درون و برون  
او چو موسی علی ورا هارون  
هر که از در درآمده بر او  
تاج «زِدنی» نهاده بر سر او  
او مدینهٔ علوم و باب علی  
او خدا را نبی، علیش ولی  
(همان، ۱۹۸)

از این رو سنایی امام علی<sup>۷</sup> را وصی، علمدار و جانشین پیامبر<sup>۶</sup> می‌داند که رسول در دین را به او سپرده و او نایب کردگار است و محبت یا کینهٔ مردمان نسبت به ایشان، آن‌ها را بهشتی یا دوزخی می‌سازد. آن‌چنان‌که در حدیثی از پیامبر<sup>۶</sup> آمده است «إِنَّ عَلِيًّا قَسِيمُ النَّارِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيُّ لَهُ وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا عَدُوُّ لَهُ إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ لَا يَدْخُلُهَا عَدُوُّ لَهُ وَ لَا يَرْخُحُ عَنْهُ وَلِيُّ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۱)؛ «همانا علی تقسیم‌کنندهٔ جهنم (نار) است. کسی که یاور و دوست او باشد وارد آتش نخواهد شد و کسی که دشمن او باشد از آن نجات نخواهد یافت. همانا او تقسیم‌کنندهٔ بهشت است. کسی که دشمن او باشد وارد آن نخواهد شد و کسی که دوست او باشد از آن محروم نخواهد شد.»

نائب مصطفی به روز غدیر  
قابل راز حق رزانت او  
در خیبر بکند شوب بتول  
در دین را بدو سپرد رسول  
نایب کردگار حیدر بود  
صاحب ذوالفقار حیدر بود  
مهر و کینش دلیل منبر و دار  
حلم و خشمش قسیم جنت و نار  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۰۳)

ای کین تو کفر و مهتر ایمان  
پیدا به تو کافر از مسلمان  
در دامن مهر تو زدم دست  
تا کفر نگیرد گریبان  
(همان، ۵۴۲)

سنایی معتقد است که خداوند خود، علی<sup>۷</sup> را ولی مؤمنین خوانده و این امر را به تصریح در بیتی از ماجرای تیر بیرون کشیدن از پای ایشان در نماز آورده است:

چون برون آمد از نماز علی  
آن مر او را خدای خوانده ولی

(همان، ۲۶۶)

و در جای دیگر می‌گوید اقتضای ارادهٔ خداوند بر این بوده که دینش را با شمشیر علی<sup>۷</sup> و به واسطهٔ رسول اکرم صلی الله علیه تقویت کند:

قوت اسلام و دین بود اقتضای ایزدی

ذوالفقار احمد اندر دست حیدر داشتن

(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۶)

سنایی دشمن علی ۷ و انکارکننده اش را نادان و کافر می داند:

تیغ بر روی حیدر کرار

تو کشیدی ز کافری پندار

(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۷۵)

از دیگر اوصافی که سنایی برای علی ۷ برمی شمرد، می توان به نیرومندی و شجاعت، بخشش و سخاوت،

مردانگی، انسانیت و ایمان و اخلاص اشاره کرد:

ولی شیری چو حیدر با سخاکو (سنایی، ۱۳۸۷: ۶۲۰)

سراسر جمله عالم پر ز شیر است

قوت حیدر نداری نام کراری مجوی (همان، ۱۰۰۶)

خصلت بوذر نداری گام دین داری منه

ای دریغا در جهان یک حیدر کرار کو (همان، ۶۲۲)

عالمی پر ذوالخمار است از خمار خواجگی

لیک یک تن را نخواند هیچ عاقل مرتضی (همان، ۲۲۰)

صد علی در کوی ما بیش است با زیب و جمال

که تا آخر چو او یابی ز دین تشریف ربانی (همان، ۶۸۱)

در کفر و جهودی را از اول چون علی برکن

دین نپوشیدی لباس ایمنی بر خویشتن (همان، ۵۶۶)

گر نبودی زخم تیغ و تیرت اندر راه دین

برخی از کلیدواژه های مهم در فرهنگ شیعی نیز در اشعار سنایی یافت می شوند؛ مانند وصی، عترت، آل

یاسین، حب حسنین، حب حیدر، دین جعفری، حق غضب شده حضرت زهرا سلام الله علیها، خیر النساء، امامت

و مقام امام رضا ۷، مقام حضرت مهدی ۷، ماجرای کربلا و شهادت امام حسین ۷ و...:

یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن

جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند

مهر حیدر بایدت با جان برابر داشتن

گر همی خواهی که چون مهرت بود مهرت

همچو بی دینان نباید روی اصفر داشتن

بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر

حق زهرا بردن و دین پیمبر داشتن (همان، ۵۵۴)

مر مری باری نکو ناید ز روی اعتقاد

بر دل گمار و گیر به جنات ساکنی (همان، ۶۴۲)

مهر رسول مرسل و مهر علی و آل

جز به حب حیدر و شبیر و شیر داشتن (همان، ۵۵۴)

هشت بستان را کجا هرگز توانی یافتن

زانکه نبود هر دو، هم دنیا و هم دین جعفری (همان، ۶۶۴)

گرد جعفر گرد گر دین جعفری جویی همی

زنی چون فاطمه خیرالنسا کو؟

سراسر جمله عالم پر زنانند

امامی چون علمی موسی الرضا کو؟

سراسر جمله عالم پر امام است

شهیدی چون حسین کربلا کو؟ (همان، ۶۲۰)

سراسر جمله عالم پر شهید است

با علی بیعت کنی و زهر پاشی بر حسن (همان، ۵۶۲)

دعوی ایمان کنی و نفس را فرمان بر

ای دریغ مهدی‌ای کامروز از هر گوشه‌ای یک جهان دجال عالم‌سوز سر بر کرده‌اند (همان، ۳۳۴)

### ۳. شیوه‌های برگزیدهٔ بلاغی در آرایهٔ حقانیت و ولایت امام علی<sup>۷</sup> در اشعار سنایی

#### ۱-۳. تمثیل و تقابل‌های تمثیلی<sup>۱</sup>

تمثیل اصطلاحی است که در تاریخ بلاغت فارسی با معانی مختلف تعریف شده است. فتوحی انواع تمثیل را در علم بیان ذیل چهار دیدگاه تقسیم‌بندی و تعریف کرده است: «دیدگاه نخست: تمثیل را مترادف و هم‌معنی با تشبیه می‌داند (مطرزی و ابن اثیر)؛ دیدگاه دوم: تمثیل نوعی تشبیه است که وجه شبه مرکب از امور متعدد باشد (جرجانی، سکاکی، خطیب قزوینی و جمهور بلاغیان)، دیدگاه سوم: تمثیل را از زمرهٔ استعاره و مجاز می‌شمارند و آن را از تشبیه جدا می‌کند؛ دیدگاه چهارم: تمثیل داستانی است که پیامی در خود نهفته دارد و معادل الیگوری در بلاغت فرنگی است» (فتوحی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). جواد مرتضایی با نقد تعاریف مختلف متقدمان و معاصران در باب تمثیل، در مقالهٔ «تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟» آن را این گونه تعریف می‌کند: «تمثیل عبارت از این است که شاعر یا نویسنده برای اثبات و قبولاندن موضوع ذهنی خود به مخاطب (در حکم مشبّه)، مثال و نمونه‌ای عینی و محسوس می‌آورد (در حکم مشبّه‌به) و مدعی شباهت میان آن دو است» (مرتضایی، ۱۳۹۰: ۳۶). تعریف یادشده، مبنای پژوهش حاضر است. به این گونه، در تمثیل ابتدا گوینده ادعایی می‌کند و سپس با گزاره‌ای آشنا یا از پیش اثبات‌شده، مدعای خود را ثابت می‌کند یا برای آن مثال و مانندی می‌آورد. زیبایی این تمثیل برآمده از تأثیری است که بر القای معنای نخست می‌گذارد. جرجانی معتقد است که این زیبایی از آن جا سرچشمه می‌گیرد که آدمی دوست دارد از یک معنای پنهان به معنایی روشن و از پس کنایه به تصریح برسد. (جرجانی، ۱۳۸۹: ۹۰-۹۱) پس تمثیل یکی از عناصر تخیلی است که می‌تواند استدلالی خیال‌انگیز محسوب شود: «طریقهٔ استدلال قوهٔ تخیل غیر از طریقهٔ استدلال عمومی بوده و از آن جدا می‌باشد. وی سخنانی را که از طریقی دیگر به ثبوت پیوسته است به روشی نو و تازه‌تر ثابت می‌نماید و این طریقهٔ استدلال اگرچه مبنی بر خطایات و یا یک نوع مغالطهٔ منطقی می‌باشد؛ لیکن شاعر آن را با نیروی تخیل در بیرایه‌ای بیان می‌نماید که سامع به هیچ وجه نمی‌تواند متوجه صحت و بطلان قضیه شود؛ بلکه مسحور آن می‌گردد و سر تسلیم فرود می‌آورد و آفرین می‌گوید» (شبللی نعمانی، ۱۳۶۳: ۴ / ۲۸) از این رو، تمثیل موجب می‌شود معنای اراده‌شده توسط مؤلف، (در مدح، ذم، تعلیم و جزآن) باشکوه‌تر، مأنوس‌تر و اثرگذارتر انتقال یابد. (جرجانی، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶)

سنایی همین روش از تمثیل را در قصیدهٔ «در پاسخ پرسش سلطان سنجر در باب دین» به کار می‌گیرد. ادعای او در این قصیده در ابیات زیر منعکس شده است:

من سلامت‌خانهٔ نوح نبی بنمایم      تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن

#### ۱. Allegoric Oppositions

شو مدینه علم را در جوی و پس در وی خرام  
چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است  
از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی

تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن  
خوب نبود جر که حیدر میر و مهتر داشتن  
عالم دین را نیارد کس معمر داشتن  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۳)

سنایی برای آن که این ادعا را برای مخاطب خویش اثبات کند از شگردی استفاده می نماید که از آمیختن تمثیل و تضاد و تقابل حاصل می شود و در این جستار ما آن را «تقابل تمثیلی» می نامیم. تضاد و تقابل نیز مانند تمثیل آرایه ای است که در عین تقویت وجه زیبایی شناختی متن، خاصیت روشننگری مفهوم و معنای آن را نیز دارد؛ زیرا هر کدام از سویه های یک تقابل، به موجب اصل «تعرف الاشیاء باضدادها» به شناساندن سویه دیگر یاری می رسانند. از سوی دیگر، تضاد و تقابل در متن ادبی، آفریننده و تقویت کننده جدال و پویایی است و مخاطب را در مقابل یک انتخاب قرار می دهد؛ انتخابی که او را به سمت یکی از سویه های تقابل متمایل می سازد. (مشاهری فرد، ۱۳۹۵: ۲۳۴)، به این ترتیب، آمیختن تمثیل و تضاد و تقابل، به شکلی مضاعف خواننده و فهم او را با متن درگیر می کند و به شیوه ای هنری او را فرا می خواند تا از میان دو مفهوم و تصویر آرایه شده در متن که به وسیله تضاد و تمثیل، روشن و ساده گشته اند، یکی را برگزیند.

سنایی در قصیده ای که یاد شد، پیش و پس از ادعای خود مبنی بر میر و مهتر بودن امام علی <sup>۷</sup> و حقانیت جانشینی ایشان بر پیامبر مصطفی صلی الله علیه، تمثیل های تقابلی بسیاری را ذکر می کند. در زیر به برخی از این ابیات اشاره می شود:

هر که چون کرکس به مرداری فرود آورد سر کی تواند همچو طوطی طمع شکر داشتن

(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۲)

در این بیت سنایی برای نشان دادن چهره واقعی حق و باطل و طرفداران آن ها که در اینجا مراد ولایت و حقانیت علی <sup>۷</sup> در برابر غاصبان و نالیقان است، از تقابل تمثیلی «کرکس و مردار» در برابر «طوطی و شکر» بهره می برد. کرکسان همان طرفداران باطل هستند که به جای توجه به حقیقت، که شکر تمثیلی از آن است، به مردار روی می آورند؛ مردارانی که تمثیل اهل باطل اند. به عبارت دیگر تقابل باطل و اهل باطل در برابر حق و اهل حق که نمود حقیقی آن ها همان غاصبان ولایت و طرفدارانشان در مقابل علی <sup>۷</sup> و اهل ولایت اوست:

کرکس و مردار در برابر طوطی و شکر



اهل باطل غاصبان اهل ولایت علی <sup>۷</sup>

تا دل عیسی مریم باشد اندر بند تو کی روا باشد دل اندر سم هر خر داشتن

(همان، ۵۵۲)



تقابل تمثیلی در این بیت بر تقابل عیسی ۷ و خرش استوار می‌باشد. عیسی روح‌الله ۷ و مرکبش که یک خر بوده است، در ادب فارسی غالباً نماد روح و جسم هستند. روحی که بر مرکب جسم غالب و راکب است و جسم باید به‌عنوان مرکب در خدمت آن باشد. در بیتی که ذکر شد، عیسی تمثیلی از حقانیت علی ۷ در برابر مخالفان و غاصبانی به‌شمار می‌رود که سنایی با تمثیل خر از آن‌ها یاد کرده است.

عیسی در برابر خر



علی ۷ غاصبان

یوسف مصری نشسته با تو اندر انجمن      زشت باشد چشم را در نقش آزر داشتن  
(همان، ۵۵۳)

این بیت نیز تمثیل تقابلی دیگر از مقابلهٔ علی ۷ و مخالفان او با نمایش تقابل یوسف ۷ و نقش آزر است. یوسف ۷ جلوهٔ اعلائی جمال است و قابل قیاس با نقش آزر بت‌تراش نیست. در این بیت زیبایی حقیقی و معنوی علی ۷ در برابر نقش‌های تصنعی و بی‌روح غاصبان و مخالفان او قرار دارد.

احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد      دل اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن  
(همان، ۵۵۳)

در این جا همان معنای پیشین، در تقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و بوجهل نمایش داده شده است. آیا عقل دل بستن به بوجهل را با وجود کسی چون محمد مصطفی می‌پسندد؟ در این تمثیل علی ۷ در جای پیامبر ۷ و مخالفان او در جای بوجهل نشسته‌اند. همین معنی با تکیهٔ بیشتر بر امر خلافت و حکومت در بیت زیر تکرار می‌شود:

تا سلیمان‌وار باشد حیدر اندر صدر ملک      زشت باشد دیو را بر تارک افسر داشتن  
(همان)

در زمان سلیمان نبی ۷، دیوها چند صباحی با مکر و حیله و با به دست آوردن انگشتی او، بر مسند قدرت تکیه زدند. تقابل دیو و سلیمان ۷ را سنایی به‌عنوان تمثیلی از تقابل علی و غاصبان جایگاه او نمایش داده است. او در بیت دیگری این سلطنت قهری و باطل را این‌گونه نکوهش می‌کند:

کی روا باشد به ناموس و حیل در این راه      دیو را بر مسند قاضی اکبر داشتن  
(همان)

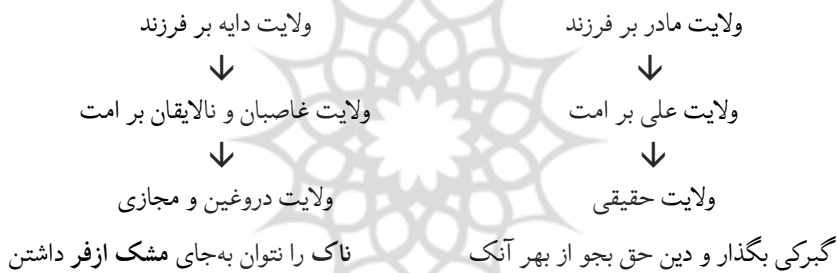
و در بیتی دیگر با تمثیلی برساخته از تقابل خضر ۷ و ستور لنگ می‌گوید:  
خضر فرخ‌پی دلیلی را کمر بسته چو کلک      جاهلی باشد ستور لنگ رهبر داشتن  
(همان)

خضری که قدمش خجسته و فرخنده است و راهنمای گمشدگان و سرگشتگان است، چگونه قابل قیاس با چارپای لنگی است که خود نیاز به مراقبت و رسیدگی دارد؟

ای سنایی وارهان خود را که نازیبا بود دایه را بر شیرخواره مهر مادر داشتن

(همان، ۵۵۴)

مهر و محبتی که مادر به فرزند دارد قابل قیاس با محبت ظاهری یا حیثاً فریبده دایه نیست. بر طبق احادیث پیامبر و علی علیهما السلام پدران این امت هستند: «أنا و علی أبو هَذِهِ الْأُمَّةِ» (ابن شهر آشوب، ۱:۱۳۶۹/۲۲۹) و «حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ»، "حق علی ۷ بر امت هم چون حق پدر بر فرزند است." (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۴) پدر و مادر سرپرست حقیقی و غم‌خوار راستین کودک هستند. جایگزینی سرپرستان واقعی امت با غاصبان حق ایشان، به سان تقابل تمثیلی مادر و دایه به شمار می آید. این تقابل تمثیلی، بیانگر تقابل ولایت حقیقی و مجازی است:



(سنایی، ۵۵۴:۱۳۸۷)

در این بیت نیز سنایی از مخاطب خویش می خواهد که دست از عقیده باطل خود بردارد و دین حقیقی را که همان ولایت علی و اولاد طاهریین او علیهم السلام است، بپذیرد. در این بیت برای نشان دادن تفاوت حق و باطل از تمثیل مشک ناب و مشک تقلبی و ناخالص (ناک) بهره می برد. غاصبان حق علی متقلبان بودند که با زور و حیله خود را به عنوان مشک خالص جلوه دادند؛ درحالی که هیچ بویی از حقیقت مشک خالص به مشامشان نخورده بود و در واقع به جای مشک به امت پیامبرصلی الله علیه ناک را عرضه کردند و جامعه را از بهره مندی از بوی خوش حقیقت محروم ساختند.

ابیاتی دیگر نیز از سنایی با همین شگرد بلاغی، یعنی آمیختن تمثیل و تقابل برای تقویت تقابل و عینیت بخشی بیش تر به آن، در بیان تقابل علی ۷ و مخالفانش در زیر ذکر می شود:

قدر خاک افزون تر از گوگرد احمر داشتن	من چه گویم چون تو دانی مختصر عقلی بود
پارگین را قابل تسنیم و کوثر داشتن	از تو خود چون می پسندد عقل نازیبای تو

زه‌ره را کی زه‌ره باشد چهره ازهر داشتن  
(همان، ۵۵۳)

از علی بیزار گردی دست در قنبر زنی؟ (همان: ۶۹۱)  
با علی در بیعت آیی زهر پاشی بر حسن (همان،  
۹۴۵)

با علی بیعت کنی و زهر پاشی بر حسن (همان، ۵۹۲)  
ورنه چون نقش پارگین میدان (سنایی، ۱۳۷۴: ۲۶۱)  
گـرگ درنـده کی بـود خـراز  
خـز ز بـزاز جـونـه از خـباز  
غـول رـهـزن ز راه دینت بـاز  
بـدل گـاو رـوغـن اشـتر غـاز  
غـنبر از خـاک و شـکر از شیراز (سنایی، ۱۳۸۷:  
۴۵۵)

که خرد را امام حیدر بود  
سایه پیشی کند بر او جاوید  
سایه زان پیش او دوید همی (سنایی، ۱۳۷۴: ۶۳)

با استفاده از ابیات بالا می‌توان جدول زیر را رسم کرد که در آن به خوبی آمیختگی تقابل و تمثیل به عنوان

شگردی زیبایی‌آفرین که به روشنی هرچه تمامتر حقانیت امام علی ۷ را نشان می‌دهد، قابل مشاهده است:

جدول تقابل‌های تمثیلی

تمثیل‌های امام علی ۷	تمثیل‌های غاصبان و نااهلان
طوطی	کرکس
عیسی	خر
یوسف	آزر
احمد ۶	بوجهل
سلیمان	دیو
خضر	ستور لنگ
گوگرد احمر	خاک

پارگین	تسنیم و کوثر
زهره	آفتاب
ناک	مشک ازفر
دایه	مهر مادر
فرعون	موسی
نفس	ایمان
نقش پارگین	دین
گرگ	خراز
طرار	کرار
غول راهزن	راهبر
اشتر غاز (گیاه)	روغن گاو
خاک	عنبر
شیراز (ماست کیسه‌ای)	شکر
سایه	خورشید

در تقابلهای بالا، این وجوه دلالتی را می‌توان دریافت کرد: تقابل شایستگان حقیقی در برابر ناهلان غاصب، تقابل راکب و مرکوب یا اصل و فرع، تقابل زیبایی حقیقی در برابر نقش‌های تصنعی، تقابل هادی برحق در برابر جاهل گمراه، تقابل سیادت اهل حق در برابر سیادت اهل باطل، تقابل رهیافته و راهنما در برابر گمراه و درمانده راه، تقابل کالای قیمتی در برابر کالای کم‌ارزش، تقابل بوی خوش در برابر بوی متعفن، تقابل نور، حقیقی در برابر نور بی‌فروغ و مجازی، تقابل کالای اصل در برابر کالای تقلبی، تقابل محبت حقیقی در برابر محبت تصنعی و مجازی، تقابل ایمان واقعی و ایمان دروغین، نور و ظلمت و جز آن‌ها.

### ۲-۳. حصر و قصر<sup>۱</sup>

قصر یا حصر، منحصر کردن مسندالیه در حکمی است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۹). حصر و قصر اجزایی دارد: «مقصور» کسی یا چیزی می‌باشد که قصر بر آن صورت گرفته است. «مقصورعلیه» فعل یا اسم یا ظرف و به‌طورکلی حالتی است که به آن اختصاص یافته و «ادات قصر» کلماتی مانند مگر، الا، فقط، بس، همانا، همان،

۱. Bound and Omission

تنها و امثال این‌هاست که به کمک آن‌ها قصر انجام می‌شود. برای نمونه در شعر زیر سنایی به وسیله ادات حصر اخلاص عمل و فرمان‌برداری صرف امام علی<sup>۷</sup> را از حضرت حق این‌گونه بیان می‌کند:

هرگز از خشم هیچ سر نبرید      جز به فرمان حسام بر نکشید  
 هرگز از بهر بدره و برده      خلق را خصم خویش ناکرده  
 (سنایی، ۱۳۷۴: ۷۴)

این شیوه بلاغی آن‌گاه که بخواهند امری یا صفتی را درباره شخص یا امری دیگر انحصار دهند، بهترین شیوه و مؤثرترین آن است. یکی دیگر از شگردهای بلاغی سنایی در بیان حقایق علی<sup>۷</sup> استفاده از همین شیوه است. استفاده سنایی از حصر و قصر در بیان حقایق امام علی<sup>۷</sup> نشان‌دهنده این است که سنایی ولایت بر امت رسول و جانشینی ایشان را امری انحصاری می‌داند.

اصطلاحی دیگر که در بحث حصر و قصر در کتب بلاغی مطرح است، «طرق قصر» می‌باشد. طرق قصر، یعنی روش‌های ایجاد قصر، بسیار مورد اختلاف علمای بلاغت است. در جمع آرای بلاغیون، می‌توان طرق قصر را ۱۱ روش دانست (جمالی، ۱۳۸۹: ۱۱۳)، اما به‌طور کلی، کارآمدترین روش‌های قصر در فارسی عبارت قصر از طریق تکرار، تقدم آنچه باید مؤخر باشد، کاربرد ضمیر (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۰۳) و کاربرد «نه» و قصر از طریق «تا» و «همین» است. (کزازی، ۱۹۴: ۱۳۷۴-۱۹۸).

حصر و قصر از نظر نوع مقصور و مقصور علیه نیز انواعی دارد؛ مانند قصر صفت بر موصوف که قصر کردن صفت یا حالتی بر موصوف است. در کتب بلاغی مثالی که در قصر صفت بسیار به چشم می‌خورد، جمله «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» است: ناشر، بی‌تا: ۱۰۹؛، یعنی صفت فتوت فقط و فقط به علی<sup>۷</sup> اختصاص دارد.

سنایی نیز در توصیف امام علی<sup>۷</sup> از این آرایه بسیار استفاده می‌کند. برای نمونه در ابیات زیر چهار صفت جمال و جلال و کمال و منزلت والا در میدان دین را منحصر کرده است در موصوفی به نام علی<sup>۷</sup>:

هیچکس را در جهان این مایه مردی نبود      کو به میدان خطر سازد برای دین وطن  
 این جلال و این کمال و این جمال و منزلت      نیست کس را در جهان جز مر تو را ای بوالحسن  
 (سنایی، ۱۳۸۷: ۵۶۷)

و در بیت زیر حکمت و عزت را تنها مخصوص او می‌داند:

حکم و عز بابت علی باشد      شیر را تب ز بددلی باشد

(سنایی، ۱۳۷۴: ۸۰)

استفاده سنایی از حصر و قصر تنها به قصد منحصر کردن یک صفت در موصوف نیست. حصر و قصر معانی‌ای را به متن اضافه می‌کنند که بلاغیون آن را «مقاصد قصر» می‌نامند. قصر مقاصد متعدد دارد، اما سنایی در استفاده از حصر و قصر، بیش تر مقاصدی چون «بزرگداشت مقصور»، «ترغیب و تشویق»، «تحقیر غیر مقصور» و «بیان قاطعیت عقیده و پافشاری بر حکم» را دنبال می‌کند. او با به کار بردن حصر و قصر، هم‌زمان امام علی ع و جایگاه منحصر به فرد ایشان را گرامی می‌دارد، مخاطب را به ستایش و شناخت او تشویق می‌کند و احساس ولایت‌پذیری را در مخاطب تقویت می‌سازد، به خوارداشت غاصبان حق علی ع و تحقیر آن‌ها می‌پردازد و عقیده استوار خویش درباره امام علی ع را به روشنی و قاطعیت ابراز می‌دارد. در مثال‌هایی که در ادامه خواهد آمد می‌توان تمام این مقاصد حصر را مشاهده کرد.

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌هایی که در حوزه حصر و قصر انجام می‌شود، تقسیم آن به «قصر حقیقی» و «قصر ادعایی» است. قصر حقیقی قصری است که موصوف و صفت آن حقیقتاً به یکدیگر تخصیص یابند؛ یعنی حصر و اختصاص بر اساس واقعیت و باور عموم باشد، نه بر پایه پندار شاعرانه یا امری ادعایی. (هاشمی، بی تا: ۳۳۲). به بیان دیگر، پشتوانه قصر ادعایی فقط تخیل شاعر و ادعای اوست و هیچ دلیل یا قبول عامی پشت آن ادعا وجود ندارد.

سنایی که با استفاده از حصر به بیان حقانیت انحصار ولایت و امامت برای امام علی ع نیز می‌پردازد، برای آن که حصر خود را از جمله حصر و قصر حقیقی قرار دهد و از قصر ادعایی دور سازد، به روایات و احادیث معتبر یا وقایع تاریخی مسلم اشاره می‌کند تا باور عمومی را نسبت به حصر خود استوار گرداند. در مثال‌های زیر می‌توان این امر را به روشنی مشاهده نمود:

برای نمونه سنایی با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم که می‌فرماید: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۴۵)، می‌گوید:

چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است خوب نبود جز که حیدر میر و مهتر داشتن  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۳)

از جمله لوازم رهبری و ریاست جامعه، جامعیت علمی است و امام علی ع به گواهی این حدیث و به اقرار همگان در علم و خرد یگانه بوده‌اند. جمله «سلونی قبل أن تفقدونی» از آن حضرت حکایت از همین احاطه علمی دارد. سنایی در بیتی که ذکر شد، امیری و سروری را به سبب علم والای حضرت علی ع تنها برانزنده شخص ایشان می‌داند و این صفت را محصور در شخصیت والای حضرت برمی‌شمرد و برای آن که این ادعایش را از دایره حصر ادعایی بیرون بیاورد، با اشاره به حدیث مذکور، تأیید مؤمنان را درباره حصر خویش، به دست می‌آورد.

در بیتی دیگر با توجه به همان حدیث یادشده و نیز واقعهٔ تاریخ مسلمی که حکایت از رشادت علی در جنگ خیبر دارد می‌گوید دروازهٔ ورود به سرزمین دین تنها و تنها وجود مبارک علی  $\text{ع}$  است:

چون در خیبر به جز حیدر نکند، از بعد آن  
خانهٔ دین را که داند کرد جز حیدر دری؟

(همان، ۶۶۵)

و در همین معنا با توجه به خدمات فراوان علی  $\text{ع}$  در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه به دین اسلام و مسلمین، باغبانی و آبادانی دین را مخصوص و منحصر در شخص امام علی  $\text{ع}$  می‌داند. خدماتی چون خوابیدن در بستر پیامبر  $\text{ص}$ ، نقش ایشان در جنگ‌ها و حمایتشان از رسول اکرم صلی الله علیه در زمان سختی‌ها و نیز توصیه‌های اکید ایشان دربارهٔ جایگاه والای امیرالمؤمنین  $\text{ع}$ ، از جمله آن جا که فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیثما دار» (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۶/۱) و «علی یغسوب المؤمنین»، «علی پیشوای مؤمنان است.» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۵) و همچنین حدیث «فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَ حَبِيبًا وَ رَسُولًا وَ نَبِيًّا وَ بِأَخِيكَ عَلِيَّ خَلِيفَةً وَ أَبَا فَهُوَ حُجَّتِي عَلَيَّ عِبَادِي وَ إِمَامٌ لِيَخْلُقِي بِهِ يَعْرِفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي وَ بِهِ يَمِيرُ حَزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حَزْبِي وَ بِهِ يَقَامُ دِينِي وَ تُحْفَظُ حُدُودِي وَ تُنْفَذُ أَحْكَامِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۴۲)، "به درستی که من از حیث بندگی و دوستی و رسالت تو راضی هستم و به برادرت علی هم خلافت دادم و او را باب علم قرار دادم. پس او حجت من بر بندگانم و امام برای خلم می‌باشد. به وسیلهٔ او دوستان و دشمنان من شناخته می‌شوند تنها با او حزب من از حزب شیطان تمیز داده می‌شود دین من قوام پیدا می‌کند و احکام من نافذ می‌باشد و حدود قوانین من معلوم و محفوظ می‌گردد." بر این اساس سنایی چنین می‌سراید:

چون درخت دین به باغ شرع، حیدر درنشانند  
باغبانی زشت باشد جز که حیدر داشتن

(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۳)

از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی  
عالم دین را نیارد کس معمر داشتن

(همان، ۵۵۴)

و در همین قصیده رسیدن به بهشت را در ولایت علی  $\text{ع}$  و فرزندان آن حضرت محصور می‌داند و چنین می‌گوید:

هشت بستان را کجا هرگز توانی یافتن  
جز به حب حیدر و شبیر و شبر داشتن

(همان، ۵۵۴)

در بیتی دیگر با نظر به حدیث «أنا و علی أبوا هذه الأمة» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۲۹)، می‌گوید ما در

این عالم جز صفای پیامبر صلی الله علیه و سخای علی  $\text{ع}$  محرمی نداریم:

اندر این عالم نیایی محرمی مر جانت را  
جز صفای احمدی و جز سخای حیدری

(همان، ۶۶۲)

در مثال زیر سنایی بدون بیان ادات، همراهی علی<sup>۷</sup> را با حق و حقیقت به طریق حصر و قصر بیان کرده است. ذکر این نکته شایسته است که در حصر و قصر، آوردن ادات اجباری نیست و گاه حسن محسوب می‌شود: «در متون عالی ادبی مکرراً ادات را نیاورده‌اند و در این صورت تأکید و اغراق و تخییل بیشتر است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۹)، به‌علاوه این بیت به طور ضمنی اشاره‌ای هم به حدیث «علی مع الحق والحق مع علی» دارد:

نامش از نام یار مشتق بود      هرکجا رفت هم‌رهش حق بود

(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۴۵)

در بیت زیر نیز با همان شیوه بیان می‌دارد که علی هرگز با خشم ضربتی نمی‌زد و جنگ او تنها برای حق و حقیقت بود:

دل و بازوش از او ندیده به چشم      دستبردی به پایمردی خشم

(همان، ۲۴۶)

شیوه ای دیگر که سنایی برای دور ساختن قصر خود از قصر ادعایی برمی‌گزیند، بهره‌جستن از تمثیل و استدلال است. برای نمونه سنایی خطاب به سلطان سنجر و در قصیده‌ای که در باب دین در پاسخ به او سروده است، می‌گوید که تو بعد از ملک‌شاه روا نمی‌داری که کسی جز خودت پادشاه باشد، پس چگونه روا می‌داری که پس از سلطان دین، جز علی<sup>۷</sup> و عترتش کسی بر مقام خلافت و رهبری بنشیند؟ و ادامه می‌دهد محراب و منبر باید در انحصار علی<sup>۷</sup> و اولادش باشد؛ زیرا راه دین در قرآنی نهفته است که تأویل درست آن را تنها علی<sup>۷</sup> می‌داند و اقوال دیگران در این باره باطل و پوچ است؛ چراکه تأویل درست قرآن تنها از جانب خدا و پیامبر<sup>۶</sup> و راسخون در علم برمی‌آید و بر اساس تفاسیر و دیدگاه سنایی، علی<sup>۷</sup> مصداق بارز راسخون در علم است و سنت پیامبر فقط با اوست که به سرانجام و نتیجه می‌رسد:

از پس سلطان ملک‌شاه چون داری روا      تاج‌وتخت پادشاهی جز که سنجر داشتن  
از پی سلطان دین پس چون داری همی      جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن  
(سنایی، ۱۳۸۷: ۵۵۴)

راه دینست محکم تنزیل      شرح آن مرتضی دهد تأویل  
جز از این جمله ترهات شمر      کار خود کن به قول کس منگر  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۶۳۹)

هرکه تن دشمنست و یزدان دوست      داند الزاسخون فی‌العلم اوست  
تا بنگشاد علم حیدر در      ندهد سنت پیامبر بر



(همان، ۱۴۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### نتیجه‌گیری

- ۱- از برجسته‌ترین آرایه‌های ادبی و شگردهای بلاغی که سنایی در اشعار خود برای ابراز عقیده‌اش درباره امام علی ۷ و حقانیت او به کار گرفته، تمثیل، تقابل‌های تمثیلی و حصر و قصر است؛
- ۲- سنایی وجه زیبایی‌آفرینی تمثیل و ویژگی روشنگری تقابل را به هم می‌آمیزد و با آفرینش «تقابل‌های تمثیلی»، نمایش و گزارش خود را از دو سویه حق و باطل و هم چنین جهت‌گیری خود را درباره امام علی ۷ و غاصبان حق او، روشن، زیبا و اثرگذار می‌سازد؛
- ۳- تقابل‌های تمثیلی به سنایی کمک می‌کنند تا به شکلی مضاعف خواننده و فهم او را با متن درگیر کند و او را در برابر انتخاب از میان دو مفهوم و تصویر ارایه‌شده در متن که به وسیله تضاد و تمثیل، روشن و ساده شده‌اند، قرار دهد؛
- ۴- استفاده سنایی از حصر و قصر در بیان جایگاه امام علی ۷ و مقام ولایت ایشان، موجب می‌شود که متن به درجه بالایی از صراحت و ایقان دست یابد. سنایی برای آن که یقین خویش را درباره موضوع مورد نظر به خواننده نیز انتقال دهد و حصر و قصر خویش را از شایبه ادعایی بودن مصون بدارد، از آیات، احادیث و وقایع تاریخی مورد قبول جمیع مسلمانان کمک می‌گیرد و به حصر و قصر خویش جنبه اقتناعی می‌بخشد.

## منابع و مآخذ

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی (للمصنوع)*، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- ۲- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، چاپ اول، قم: دار البیدار للنشر.
- ۳- اسداللهی، خدابخش و زهرا فتحی (۱۴۰۰)، بینامتنیت سیمای علی<sup>۷</sup> در اشعار سنایی و ناصر خسرو. *پژوهش‌نامه علوی*، شماره ۱۲، صص ۳-۳۲.
- ۴- اسداللهی، خدابخش و بهنام فتحی و رامین محرمی (۱۳۹۸)، فضایل و مناقب علی<sup>۷</sup> در حدیقه الحقیقه سنایی، *پژوهش‌نامه امامیه*، شماره ۹، صص ۱۴۷-۱۷۳.
- ۵- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۳۸۹)، *اسرار البلاغه*، ترجمه جلیل تجلیل، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- جمالی، فاطمه (۱۳۸۹)، جایگاه قصر و حصر در علم معانی، *فنون ادبی*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- ۷- حدیدی، خلیل و خدابخش اسداللهی (۱۳۸۴)، امامت در آثار سنایی، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، شماره ۱۹۷، صص ۵۵-۷۴.
- ۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۷۴)، *حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- -----، (۱۳۸۷)، *دیوان*، مقدمه، تصحیح و شرح از محمد بقایی (ماکان)، چاپ دوم، تهران: اقبال.
- ۱۰- شبلی نعمانی (۱۳۶۳)، *شعر المعجم*، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *معانی*، چاپ هشتم، تهران: میترا.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، جلد ۱، قم: آل البيت.
- ۱۳- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافه.
- ۱۴- فتوحی، محمود (۱۳۸۳)، تمثیل، ماهیت اقسام، کارکرد، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، بهار و تابستان، دوره ۱۲-۱۳، شماره های ۴۷-۴۹، صص ۱۴۲-۱۷۷.
- ۱۵- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۴)، *زیباشناسی سخن، معانی*، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- ۱۶- مرادی، ایوب، و سارا جلالک (۱۳۸۹)، سیمای امام علی<sup>۷</sup> در شعر سنایی، *نامه پارسی*، شماره ۵۳، تابستان، صص ۵-۳۷.
- ۱۷- مرتضایی، جواد (۱۳۹۰)، تمثیل، تصویر یا صنعت بدیعی؟، *متن‌شناسی ادب فارسی*، دوره ۳، شماره ۴، بهمن ماه، صص ۲۹-۳۸.
- ۱۸- مشاهری فرد، عطیه (۱۳۹۵)، *تحلیل عنصر تضاد و تقابل در زیبایی‌شناسی با تکیه بر مصیبت‌نامه و غزلیات عطار*، رساله دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۹- ناشر، عبدالحسین حسام‌العلماء آق‌اولی (بی‌تا)، *درر الادب در فن معانی، بیان و بدیع*، قم: انتشارات هجرت.